

## درد دل با مهربان ترین قلب دنیا

پاییز فصل باران است، فصل گریه آسمان، فصل زرد شدن برگ درختان، فصل جدایی برگ‌ها از شاخه‌ها، فصل اشک‌های پنهان درخت است و برگ، فصل مردن برای زنده شدن، پژمردن برای شکفتن.

اما پاییز امسال دیگر برای مردم دنیا فصل اشک‌های پنهانی نبود. هر صبح وقتی چشم در هر صفحه‌ای باز می‌کردی، فیلم‌ها و عکس‌های غم‌انگیز و وحشتناکی را از بی‌رحمی غاصبان صهیونیست نسبت به کودکان و نوجوانان و زنان فلسطینی می‌دید. هواپیماهای آمریکایی با خلبانان بی‌رحم صهیونیستی ده‌ها بمب غول‌پیکر را شب‌وروز بر سر مردم بی‌دفاع می‌ریختند. حتی بیمارستان هم از دست بمب‌هایشان در امان نبود. آخر آن‌ها توان جنگیدن با رزمندگان فلسطینی را ندارند و به جای آن شهرها و ساختمان‌های مسکونی را موشک باران می‌کنند.

در این روزها دلم خیلی گرفته است. تنها راهی که می‌تواند دلم را آرام کند، درد دل با یک دوست و با یک بزرگ دلسوز و مهربان است. دوست دارم سرم را بر بالینش بگذارم و از این دنیای پر از ظلم و تاریکی گله کنم. گله از ظلم و جنایتی که بر کودکان و نوجوانان غزه می‌رود. فکر می‌کنم بهترین همدم و شنونده حرف‌هایم مولا و امام غایبمان حضرت مهدی (عج) باشد. آقای خوبم درست است من تو را نمی‌بینم، اما باور دارم شما حرف‌هایم را می‌شنوی و خوب گوش می‌دهی. آقا جان زودتر بیا و به داد کودکان و نوجوانان دنیا برس. با قدم مبارکت بیا و دنیا را از شر اهریمنان روزگار پاک کن. آقا جان بار دیگر در این روزها آب را به روی کودکان و زنان و بیماران در غزه، در سرزمین فلسطین، در سرزمین مسجدالاقصی، همان قبله اول مسلمانان، بسته‌اند. آقا از خدا بخواه تا با ظهور شما دل همه بچه‌ها شاد شود. تا ما در کنار تان شاهد دنیایی پر از صلح و دوستی و مهربانی باشیم، یا صاحب‌الزمان فریادرس، مرا دریاب! اکنون ای مهربان‌ترین مهربانان.

علی اصغر جعفریان